جزئیات سومین رویداد هولوساید تشریح شد

مسعود شجاعی طباطبایی، دبیر رویداد بین‌المللی طراحی کارتون، کاریکاتور و پوستر هولوساید ۲۰۲۴ جزئیات سومین دوره را تشریح کرد. وی گفت: در دوره‌های قبل با عنوان کردن هولوکاست دچار مشکلی در فضای مجازی نسبت به بستن صفحات و... شدیم، بنابراین امسال عنوان هولوساید را در نظر گرفتیم که همان معنای نسل‌کشی را در واژه در بردارد. الکساندر فالدین، طراح گرافیک و پوستر از روسیه از مهمانان جشنواره است که تولیدات متعددی در جهان داشته و جوایز مختلفی هم دریافت است. در چند روز آخر هفته نشست‌ها و کارگاه‌هایی را با حضور او و دیگر داوران و هنرمندان در قم خواهیم داشت. مسعود نجابتی گرافیست نیز اظهار کرد: در دوره‌های پیشین، این رویداد فقط با عنوان کاریکاتور برگزار می‌شد اما امسال پوستر نیز به آن اضافه شده است. ما تلاش می‌کنیم از تمام ظرفیت‌های هنرهای تجسمی بهره ببریم. حتی با افزودن نوشته به پوستر، به نوعی ظرفیت ادبیات را نیز در این دوره به کار گرفته‌ایم. وی افزود: هدف ما شناسایی طراحان گرافیک در سطح بین‌المللی است. همچنین، شناسایی خوبی از طراحان کاریکاتور صورت گرفته که نتیجه برگزاری دوره‌های قبلی است و امیدواریم در رویدادهای آتی بتوانیم از این ظرفیت بهتر استفاده کنیم.

جام جم
فرهنگ
CULTURE
۹
چهارشنبه ۱۹ دی ۱۴۰۳ شماره ۶۹۵۳

مدرسه نقد جام جم

م نبینید!

آن است که منطق روایت درست باشد مثل «مست عشق»، فیلم‌نامه‌اش و کلا همه چیزش درست باشد؛ من از این زاویه هم می‌بینم و دوست دارم شما نظراتتان را در این باب بیان کنید که انگار ساخت کمدی خوب و درست کار هرکسی نیست و حالا نه این‌که مردش نیست، بلکه آن مدل ساختن خیلی راحت‌تر و مهم‌تر، آن مدل ساختن خیلی کم‌خطرتر است، بله چون من وقتی بخواهم یک درد اجتماعی را بگویم با رسالت اجتماعی یک هنرمند، محدودیت‌هایی دارم؛ این را نگویم به این فرد بر بخورد یا آن را نگویم به آن سازمان برمی‌خورد؛ این حرف را نزنم یک جریان مغرضی بیاید و سوءاستفاده بکند و بزرگنمایی کند و...

صالحی: مشکل دیگری که وجود دارد این است که برخی از فیلم‌ها اساساً کمدی نیستند اما به‌عنوان کمدی به مخاطب عرضه می‌شوند. مثلا فیلم زهرمار در حقیقت یک درام است اما با استفاده از المان‌ها و ظاهری کمدی، مانند پوسترهای رنگارنگ یا بازیگرانی که در ژانر کمدی مشهور هستند، به مخاطبان به‌عنوان کمدی فروخته می‌شوند. این باعث سرخوردگی مخاطب می‌شود، زیرا برای دیدن یک فیلم کمدی به سینما می‌رود اما با چیزی غیر از آن روبه‌رو می‌شود.

زهرایی: حالا مثل این، ما فیلم «ویلای ساحلی» را هم داریم؛ درواقع اینها فیلم‌هایی هستند که می‌خواهند کمدی باشند ولی نتوانسته‌اند؛ به قول شما استفاده کرده‌اند از عناصر فونت کمیک و کارتونی و رنگی و درخشان، از بازیگرانی که به‌عنوان بازیگر ژانر کمدی شناخته شده‌اند و وجود یک سری صحنه‌هایی که حالا کمی هم خنده‌دار باشند؛ اینها در آن دسته واقع می‌شوند، کمدی‌هایی که به هیچ‌وجه روح کمدی به خودشان نگرفتند و کمدیِ واقعی نشدند و طبیعتا مخاطب از این طیف استقبال نمی‌کند.

زمانی: یک نکته این است که در فضای کمدی، من می‌توانم خیلی از مسائل را راحت‌تر بیان کنم و فشارها و ارتباط‌های دیگر ژانرها را ندارد. همچنین، بازدهی کمدی سریع‌تر است. از طرف دیگر، چون مخاطب فیلم اجتماعی خوب نمی‌بیند، به سمت فیلم‌های کمدی گرایش پیدا کرده که این روند ممکن است به‌جایی برسد که ژانرهای غیرکمدی در آینده نزدیک عملا از سینما حذف شوند.

زهرایی: یک مسأله‌ای وجود دارد؛ ما می‌رسیم به این‌که اکنون به‌هر دلیلی کمدی پا گرفته اما یک آسیبی در این وسط دیده می‌شود که همه اذعان دارند ولی گویا زیاد کار جدی هم درباره‌اش انجام نمی‌شود؛ من نمی‌دانم به چه دلیلی و این‌که اصلا مسئولش کیست؛ این بحث عبارات و کنایات و شوخی‌های خارج از عرف و تابوشکنانه که متناسب با فرهنگ ما نیست، از شوخی‌های جنسی گرفته تا حرف‌های رکیک؛ من خودم چند فیلم در سینما دیدم؛ بچه سیزده ساله نشسته کنارم و این بسیار آسیب‌زاست. من بادخترم که بیست ساله است چنین چیزی را بشنویم، خجالت می‌کشم که این حرف جلوی ما زده می‌شود، ولو این‌که بخواهیم بخندیم به یک چنین حرفی که در شأن جامعه هم نیست. این هم خیلی دامن‌گیر شده و یکی هم این‌که باز درکنار این مسأله، خیلی ارزش‌ها دارد زیر سؤال می‌رود؛ یعنی یک چیزهایی که یک حرمتی داشت، یک اتفاقی بوده حالا دارد به طنز کشیده می‌شود و لگدمال می‌شود و می‌خندند؛ عادی‌سازی می‌شود و درنهایت قبح‌زدایی از آنها صورت می‌گیرد. پس یک پرسش بزرگ در ذهنم شکل می‌گیرد: کدام ممیزی، کدام سازمان سینمایی پاسخگوست؟

روحانی: در مورد تأثیر کمدی بر مخاطب، باید به درجه‌بندی سنی توجه شود. برخی از آثار، بدون در نظرگرفتن گروه سنی مخاطبان، تأثیرات منفی بر نوجوانان دارند. این موضوع نیازمند نظارت دقیق است.

صالحی: کمدی تأثیر زیادی بر جامعه دارد. برای مثال، زمانی که برنامه پاورچین پخش می‌شد، اصطلاحاتی مثل «پاچه‌خواری» به‌سرعت در جامعه جاافتاد اما متاسفانه، برخی از آثار کمدی امروزی باعث عادی‌سازی بی‌احترامی و استفاده از الفاظ نامناسب شده‌اند. همچنین، در موضوعات اجتماعی مانند مهاجرت، سینمای ما کم‌کاری کرده و به‌همین دلیل، جوانان تحت تأثیر فرهنگ‌های دیگر مخصوصا فرهنگ کره قرار گرفته‌اند و به دنبال مهاجرت به این کشور هستند که می‌شود با زبان طنز مشکلات مهاجران را بیان کرد؛ چیزی که در «پایتخت ۱» دیدیم.

زمانی: کمدی‌های گذشته، مانند «اجاره‌نشین‌ها» یا «مارمولک» مسائل اجتماعی را با زبان طنز بیان می‌کردند و ماندگار شدند، اما کمدی‌های امروزی بیشتر به کلیشه‌ها و شوخی‌های سخیف متکی هستند. این روند باعث افول کمدی شده و نیازمند بازنگری است.

صالحی: یکی از دلایل افول کمدی بی‌توجهی به نگارش فیلم‌نامه است. بسیاری از فیلم‌نامه‌ها بدون دقت و صرف زمان کافی نوشته می‌شوند و به‌همین دلیل، آثار ماندگاری مثل «مهمان مامان» ایجاد نمی‌شوند.

زهرایی: حالا ما با چند مسأله مواجهیم؛ یکی این‌که عوامل سینمایی از نویسنده تا تهیه‌کننده و کارگردان و همه عناصری که در تولید سینما دخیل‌اند، چرا این نوع کمدی را دارند رواج می‌دهند؟ مسأله بعدی این‌که چرا برخی مدیران و مسئولان اجازه نشر چنین آثاری به‌صورت فراگیر را می‌دهند؟ و سؤال مهم‌تر این‌که مردم ما چرا راضی به دیدن چنین آثاری می‌شوند؟ یعنی فرض کنید تو یک شهری بگویند غذا نیست و باید یک غذای آلوده‌ای که می‌دانند با خوردن آن مریض و مسموم می‌شوند بخورند؛ چرا باید کسی این غذا را بخورد؟ به زبان دیگر، شما هر غذایی نمی‌خورید، پس هر فیلمی هم نبینید. بحث اصلی این است که چرا مخاطب خودش را تسلیم کرده؟ الان این ما با این سه موضع مواجه هستیم که هرکدام کار کارشناسی برای خودش می‌طلبد. من می‌خواهم به این نقطه برسم و فلش را سمت خودمان بگیرم که نقش منتقدین در روشن‌کردن مخاطبین چیست؟ تأثیر منتقدین در هدایت افکار مدیران چیست و نقش منتقدین آگاه و دانا در کمک به سینماگران، حالا تهیه‌کننده، کارگردان و نویسنده چیست و چرا این مسأله اصلا جایش تا حالا خالی مانده؟ ما در فوتبال و ورزش به‌طور خاص یک برنامه‌هایی داشتیم که روی باشگاه‌ها اثرگذار بود، روی نظر فدراسیون اثرگذار بود، یعنی کمک می‌کرد به بهترشدن عملکرد ورزش. روی افکار اجتماعی یک کشور اثرگذار بود، اما چرا در حیطه‌ی سینمای ما این اتفاق رخ نداد؟

کمدی‌های گذشته مانند «اجاره‌نشین‌ها» یا «مارمولک» مسائل اجتماعی را با زبان طنز بیان می‌کردند و ماندگار شدند، اما کمدی‌های امروزی بیشتر به کلیشه‌ها و شوخی‌های سخیف متکی هستند

صالحی: یکی از دلایل این موضوع می‌تواند اخلاق‌مداری باشد که هم می‌تواند خوب باشد و هم بد؛ یعنی ممکن است بگوید که چون با فلان فیلم‌ساز دوستم، پس چیزی ننویسم که ناراحت شود. دلیل دیگر هم وجود نقدهای سفارشی است که در همه‌جای دنیا هم معمول است. تولیدکننده پول می‌دهد که نقدی مثبت برای فیلمش نوشته شود تا مردم را به دیدن فیلم تشویق کند. این نوع نوشته‌ها در سینما به «ریویو» یا «نوشته‌های سینمایی» معروف است که بیشتر جنبه تبلیغاتی دارد، نه نقد واقعی. در ایران به هر نوشته‌ای نقد می‌گوییم. ما در ادبیات سینمایی سه نوع نوشته داریم: نقد، ریویو و تحلیل. نقد برای قبل از اکران عمومی است که منتقد نظر شخصی خود را می‌دهد و می‌گوید که کلیت فیلم را می‌پسندد یا نه. ریویو هم برای قبل از اکران است که توضیحش داده شد. تحلیل برای بعد از اکران است که فیلم را از تمام زوایا بررسی می‌کند. اگر به این نتیجه برسیم که دوستی‌ها باید در جای خود باشد و همان‌طور که فیلم‌ساز زحمت خودش را کشیده، منتقد هم وظیفه دارد محاسن و ایرادات فیلم را به مردم بگوید، وضعیت بهتر خواهد شد.

روحانی: من فکر می‌کنم که اگر ما به‌عنوان یک منتقد بتوانیم قبل از ساخت فیلم رسالت خود را انجام دهیم، کمک بزرگی به سینما کرده‌ایم. ما باید قبل از این‌که فیلم ساخته شود و قبل از این‌که پروانه نمایش داده شود، نظر بدهیم. به نظر من باید شورایی وجود داشته باشد که مشاوره‌های لازم را به شورای نمایش و مجوزهای سینمایی ارائه دهد. این‌کار می‌تواند به ارتقای دانش عمومی فیلم‌سازها کمک کند.

زمانی: این سه‌گانه‌ای که شما مطرح کردید را این‌گونه پاسخ می‌دهم کمک منتقدان به سیاست‌گذاران این است که تا زمانی که آنها آمار فروش سینما را به‌عنوان موفقیت می‌بینند، فیلم‌های گیشه‌ای بیشتر تولید می‌شود اما اگر ما منتقدان شاخص‌هایی برای موفقیت تعیین کنیم، شاید بتوانیم به سیاست‌گذاری سینما کمک کنیم. دومین کمک به مخاطبان است که منتقدان می‌توانند تأثیرات منفی برخی از فیلم‌ها را برجسته کنند. عواملی که می‌توانند بر فرهنگ اجتماعی، گفتاری و سبک زندگی تأثیر بگذارند. سومین کمک مؤثرین به عوامل سینمایی، دورشدن از کلیشه‌های مرسوم است. منتقدین می‌توانند نشان دهند که می‌توان فیلم‌های کمدی متفاوتی را ساخت که هم فروش می‌کنند و هم معقول ارزیابی می‌شوند، بدون این‌که نیاز به استفاده از کلیشه‌ها یا مسخره‌کردن مسائل گذشته باشد.

زهرایی: در آخر نکته‌ای را هم باید اضافه کنم؛ صرف نظر از آن‌که ما چهار حلقه تولیدکنندگان و عوامل سینمایی و مخاطبین و مدیران سینمایی و پس از آنها منتقدین را داریم، حتی اگر ما هر منتقد خوبی هم داشته باشیم یا تربیت بکنیم و درّ و گوهر هم بیفشانند، اگر تریبون و بلندگو نداشته باشند، باز هیچ فرقی ندارد. یک منتقد وقتی در فضای مجازی خودش چیزی را منتشر کند، یک تعداد مخاطب محدودی دارد؛ این نیاز به بلندگویی دارد؛ حالا رسانه ملی، رسانه‌های جمعی یا روزنامه‌های چاپی هست. نمی‌دانم ولی نیاز به بلندگویی دارند تا آن پیامشان و رسالتشان و آنچه فکر می‌کنند صحیح است و خدمت به جامعه محسوب می‌شود، به گوش بقیه رسیده شود تا نظراتشان نشر پیدا کند و ایرادهای سینمای ما دربیاید و با خردجمعی جامعه به یک چارچوب بهتری برسد؛ به‌نظرم این، آن حلقه آخر است که اگر نباشد، حداقل زحمات یا فعالیت‌های منتقدین البته آگاه دیده نمی‌شود و نباید از آن غافل بود؛ و این امر محقق نمی‌شود جز با یک عزم جدی جمعی در حیطه عمل؛ وگرنه تمام مسئولین، مخاطبین و یا منتقدین بنشینند و بگویند مشکل کار کجاست، بدون عمل مشکلی حل نمی‌شود. باید برای نقد عالمانه و آگاهانه فضاسازی شود تا در درازمدت ذره‌ذره بر مخاطبین، مدیران و سازندگان تأثیر بگذارد.

یادداشت

محبوبه جان‌نثاری | منتقد سینما

زیر خاک یا روی خاک

فیلم جاده‌ای و متفاوت «علت مرگ نامعلوم» از انگشت‌شمار فیلم‌های چند سال اخیر است که در انتخاب مکان و همچنین موقعیت دراماتیک داستانی جدید و بدیع است. فیلم در مکانی می‌گذرد که نه داخل شهر است و نه در آپارتمان؛ بلکه در کویر و جاده‌ای کم رفت‌وآمد. جاده‌ای که دوسردارد: مبدأ و مقصد. باماشین و مسافرانی که در این جاده در بزنگاهی می‌افتند که باید دست به انتخاب بزنند میان اخلاق یا وسوسه‌هایشان؛ معرکه و معرضی که باید ببینیم این شخصیت‌ها چگونه عمل می‌کنند و چه امتحانی پس می‌دهند؟ آیا جانب وجدان‌شان را می‌گیرند یا فقر و فلاکت‌شان را. گرچه آنها بعد از کش و قوس‌هایی در فیلم، در نهایت جانب دومی را می‌گیرند، اما فیلم‌ساز با وجود فقری که در شخصیت‌ها ترسیم کرده، رگه‌هایی از شرافت را هم در آنها باقی می‌گذارد. وجدان شخصیت‌ها قبول نمی‌کند جنازه‌ای را که حالا از طریق آن به پول رسیده‌اند، روی زمین بماند و برمی‌گردند و او را دفن می‌کنند. درواقع فیلم‌ساز برخلاف ژانر نکبت در سال‌های اخیر، در نشان‌دادن انسان‌های فقیر متفاوت عمل می‌کند و فقرا را به دلیل این‌که فقیرند، بدون انسانیت نشان نمی‌دهد.

اما نکته‌ای که در پیرنگ اثر به چشم می‌خورد اندکی ضعف در روابط علی و معلولی است. بعد از ایجاد حادثه محرک، روابط علی باید چنان منطق محکمی داشته باشد که پیشبرد قصه و درام تا رسیدن به نقطه اوج، تنها راه ممکن جلوی پای شخصیت‌ها باشد. اما ضعف این مسأله در ابتدای قصه، اندکی ما را به عنوان مخاطب، از تب و تاب و التهاب پیش روی شخصیت‌ها می‌اندازد. به‌عنوان مثال تقریبا در اواخر فیلم راننده تاکسی می‌گوید که هم‌خطی‌ها دیده‌اند که شخص فوت شده سوار ماشین او شده است. این درحالی است که باید این جمله را در ابتدای ماجرا، وقتی درحال نقشه‌کشیدن بر سر آن جنازه هستند، بگوید؛ در واقع این جمله باید اولین چیزی باشد که به ذهن او برسد! فیلمساز می‌توانست نه فقط دو راه، بلکه راه‌های گوناگونی جلوی روی شخصیت‌ها بگذارد؛ همچون جاده‌هایی که می‌توانند فقط دو سر آغاز و پایان نداشته باشند، بلکه راههای فرعی در میان‌ها آنها می‌تواند زیاد باشد.

درهم‌تنیدگی مکان و موقعیت دراماتیک فیلم به‌همین جا ختم نمی‌شود؛ بلکه در انتخاب رنگ صحنه‌ها، لباس‌های شخصیت‌ها، رنگ ماشین که همگی به رنگ خاکی و یشمی هستند نیز خود را نشان می‌دهد؛ و در سکانسی از فیلم با توفان شنی که در جاده رخ می‌دهد و با خاکی که بر سر و روی مسافرها می‌ریزد، این همرنگی با کویر و کوه‌ها و طبیعت بیشتر و بیشتر نشان داده می‌شود. و با این جمله از یکی از شخصیت‌ها که زیر خاک تفاوتی ندارد، اما روی خاک چرا؛ فیلم‌ساز بر این موضوع صحه بیشتری می‌گذارد.

درواقع به‌نظر می‌رسد که در زیرمتن فیلم، فیلم‌ساز می‌خواهد مدفون شدن شخصیت‌ها را در زیر بار فقر و فلاکت نشان دهد. یا شاید هم با این نشانه‌ها می‌خواهد بگوید این شخصیت‌ها تفاوت چندانی با آن جنازه ندارند، چراکه اصول اخلاقی را زیر پا گذاشته‌اند.

در انتهای قصه با آن پایان‌بندی غافل‌گیرکننده، دوباره شخصیت‌ها با وجدان‌هایشان دست به گریبان می‌شوند. درست است؛ آدمی از هر چه بگریزد، راه فراری از وجدانش ندارد. درواقع فیلم‌ساز باز می‌خواهد تفاوت زیر خاک بودن با روی خاک بودن را به ما نشان بدهد. در پایان راه، وقتی مردیم، دیگر تفاوتی نمی‌کند که در زیر کدام خاک دفن شویم اما تا وقتی روی خاک هستیم و در جاده زندگی، تفاوت می‌کند؛ زیرا این ما هستیم که حق انتخاب داریم؛ حق انتخاب میان مکان‌ها؛ میان ماندن یا رفتن؛ میان بااخلاق بودن یا بی‌اخلاق بودن؛ میان وجدان داشتن یا نداشتن.

«پنجاه سال عاشقی» در پردیس ملت

جدیدترین نمایشگاه خوشنویسی فاتح عزت‌پور با عنوان «پنجاه سال عاشقی» در پردیس سینما گالری ملت برپا می‌شود. به گزارش روابط عمومی مؤسسه تصویر شهر، این نمایشگاه انفرادی خوشنویسی آثار نستعلیق، از ساعت ۱۵ جمعه ۲۱ دی افتتاح می‌شود و تا ۲۸ دی هر روز از ساعت ۱۵ تا ۲۰ دایر خواهد بود. علاقه‌مندان به هنر خوشنویسی در این نمایشگاه با مجموعه‌ای فاخر از آثار نستعلیق با اشعاری ناب از شاعران کرد و فارسی‌زبان مواجه خواهند شد که گویای فرهنگ و هنر اصیل ایرانی است. فاتح عزت‌پور، متولد سال ۱۳۳۷ سنندج و از خوشنویسان معتبر و دارنده مدرک استادی از انجمن خوشنویسان ایران است. استاد عزت‌پور دارای نشان درجه یک هنری از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و کارشناسی علوم اقتصادی از دانشگاه علامه طباطبایی است. از این مدرس خوشنویسی تاکنون بیش از ۱۴ جلد کتاب آموزشی و کتابت آثار بزرگ ادبی همچون رباعیات خیام، گلستان سعدی و دیوان حافظ، منتشر شده است.

خاطره‌بازی «مانی رهنما» روی صحنه

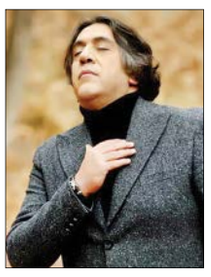

کنسرت «یه پیانو، یه گل سرخ» جدیدترین اجرای زنده مانی رهنما در فرهنگسرای نیاوران روی صحنه خواهد رفت.

رهنما، خواننده پاپ و کلاسیک ۳۰ دی در دو نوبت ۱۸ و ۲۱ در فرهنگسرای نیاوران روی صحنه خواهد رفت.

رهنما درباره این اجرا و جزئیات آن می‌گوید: سال‌ها از صحنه دور بودم و بعد از دو سال که در خارج از ایران بودم، حالا تمام تلاشم اجرای یک کنسرت آبرومند است. در میان همه اجراهای پرهیاهو و ارکسترال این روزها، بد ندیدیم که سراغ مخاطبان‌مان برویم و آنها را به این ضیافت دعوت کنیم.

مانی رهنما می‌گوید: امیدوارم در این گوشه از جهان پیانوی رضا تاجبخش، صدای من و حضور همسرم «صبا راد» بتواند یک اجرا صمیمی را باعث شود که شنونده‌ها از حال خوب اجرا لذت ببرند. این اجرای شامل ۲۰ قطعه از آثار پیانویی، تیتراژهای سینما و سریال‌هایی است که در این سال‌ها خوانده‌ام. یک خاطره‌بازی که خودم انرژی خوبی برای آن دارم.

تزیینات «مسجد سید» در حال از بین رفتن است

شهرام امیری، سخنگوی میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی استان اصفهان گفت: همه تزیینات مسجد تاریخی «سید» اصفهان در اثر فرونشست و نبود حراست و حفاظت لازم در حال فروپاشی و از بین رفتن است. وی به ایرنا گفت: اداره‌کل میراث فرهنگی اصفهان در حفاظت از این اثر تاریخی مذهبی با چنین شرایط دشواری، تنهاست و مسجد سید مانند مسجد جامع عباسی و جامع عتیق در اختیار ما نیست که مسئولیت مستقیمی در قبال آن داشته باشیم. مسجد سید خاص‌ترین مسجد تاریخی اصفهان در دوران قاجار است که توسط محمدباقر شفتی از روحانیون بزرگ اصفهان و از مراجع عالی‌قدر تشیع در زمان خود ساخته شد و از مساجد اصلی این شهر به‌شمار می‌رود.